

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر استان کرمان در زلزله سال ۹۶ کوهبنان

مرضیه امیری

دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران

microtel2020@yahoo.com

چکیده

هدف در این تحقیق، بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر استان کرمان در زلزله سال ۹۶ کوهبنان می‌باشد. روش بکار گرفته در این تحقیق از نوع کمی - پیمایشی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد که بعد از جمع‌آوری اطلاعات، چارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریه‌های اندیشمندان مکتب نوسازی و روانشناسان اجتماعی بنا شده است. جامعه آماری این تحقیق امدادگرانی هستند که در زلزله سال ۹۶ حضور داشتند. و از بین آنها حجم نمونه‌ای برابر ۳۴۲ نفر و با روش نمونه‌گیری تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه که توسط سه نفر از اساتید اعتبار سنجی استفاده شده است و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است که پایایی کل برابر با ۰/۷۹۸ بدست آمده است، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی و ضریب رگرسیون استفاده شده که طبق نتایج بدست آمده تایید شده است.

برآورد مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۴۰/۶ درصد از تغییرات متغیر واسطه به واسطه متغیرهای مستقلی که وارد مدل شده است مورد تبیین قرار گرفته است. بیشترین تاثیر را اعتماد اجتماعی را بر مشارکت اجتماعی، با ضریب تاثیری برابر با (۰/۲۴۷) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، احساس تعلق با ضریب تاثیر (۰/۲۳۰) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، احساس نوع دوستی با ضریب تاثیر (۰/۱۹۷) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۴)، تاثیر رسانه (۰/۱۱۴) در سطح معنی‌داری (۰/۰۱۸) بر مشارکت اجتماعی تاثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، نوع دوستی، احساس تعلق، امدادگر

بیان مساله

حوادث طبیعی در جوامع رخ می‌دهند و هر از گاهی فجایع دلخراشی می‌آفرینند. در بین حوادث طبیعی، غافلگیری زلزله از همه بیشتر است و نبود قدرت پیشگیری و آمادگی جامعه می‌تواند به فاجعه‌ای انسانی مبدل شود که هم بر آدمیان و هم بر زیستگاه و جامعه آنان آثار تخریبی مستقیم، غیرمستقیم و ثانویه بر جای گذارد. این شرایط، لزوم فعالیت‌های مددکاری فردی، گروهی و اجتماعی را در بحران اجتنابناپذیر میکند و مناسبترین شیوه در گام نخست، پیشگیری از بروز بحران است؛ گام دوم آمادگی کامل ستادهای کمکرسانی و هماهنگی امکانات و منابع از طریق برنامه ریزی دقیق و تجهیز نیروهای کارآمد است؛ گام سوم، رویارویی با بحران که شرط لازم آن سرعت متناسب با موقعیت بحران است، در این مرحله، پیشگیری از گسترش ضایعات و محدود کردن وضعیت بحرانی اهمیت دارد؛ گام چهارم، پیشگیری از بر جای ماندن وضعیت بحرانی و اثرات ناشی از آن است و سرانجام گام پنجم، یعنی عادی‌سازی وضعیت، فرا میرسد تا روال زندگی معمول بر منطقه حاکم شود (اویسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). در این تحقیق به به عوامل موثر بر مشارکت نیروهای امداد پرداخته شده است. بدیهی است که میزان مشارکت در تحقق طرح‌ها و فعالیت‌های توسعه محور برای مدیریت کشور ایران در سطح خرد و کلان ضروری است. یکی از عرصه‌های بروز مشارکت می‌تواند مشارکت در موقعیت بحران باشد. در زلزله آذرماه سال ۹۶ شهرستان کوهبنان که در پی آن ورود نیروهای امدادی به این شهر و کمک در روند امدادرسانی به شهروندان امری ضروری بوده است. نیاز به خدمات داوطلبانه در سال‌های اخیر از اهمیت بسزایی در جامعه برخوردار می‌باشد، زیرا سازمان‌ها و موسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی بدون داوطلبان تربیت شده فقط قادر به انجام دادن حداقل برنامه‌های خود هستند ولی با کمک داوطلبان می‌توانند برنامه‌های خود را از نظر کمی و کیفی گسترش دهند و به عده بیشتری از مردم خدمت کنند. همچنین در سال‌های اخیر جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر با چالش‌هایی در خصوص کم شدن تعداد اعضا و داوطلبان نسبت به گذشته مواجه شده‌اند. (کشاوری ترک، ۱۳۹۰: ۲).

بنابر نتایج به دست آمده پایین بودن مشارکت اجتماعی و فقدان وفاق اجتماعی زمینه برخورد و اختلاف و تضاد در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد (ازکیا و حسینی‌راد، ۱۳۸۸: ۹)؛ بنابراین مشارکت اجتماعی و علی‌خصوص مشارکت اجتماعی در زمان بحران در روند تصمیم‌گیری یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده است (ربانی، ۱۳۸۶: ۷۵). لذا تحقیق حاضر درصدد است به بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی نیروهای امدادی جمعیت هلال‌احمر استان کرمان در زلزله سال ۹۶ کوهبنان پردازیم. نیاز به خدمات داوطلبانه در سال‌های اخیر از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد زیرا سازمان‌ها و موسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی بدون داوطلبان تربیت شده فقط قادر به انجام

دادن حداقل برنامه‌های خود هستند ولی با کمک داوطلبان می‌توانند برنامه‌های خود را از نظر کمی و کیفی گسترش دهند و به عده‌ی بیشتری از مردم خدمت کنند همچنین در سال‌های اخیر جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر با چالش‌هایی در خصوص کم شدن تعداد اعضا و داوطلبان نسبت به گذشته مواجه شده‌اند. بنابراین تشویق همه‌ی اقشار جامعه به خصوص جوانان برای انجام خدمات داوطلبانه ضروری است. از طرفی انجام خدمات داوطلبانه برای خود داوطلبان نیز بسیار مفید است زیرا سبب تقویت حس نوع دوستی در آنان می‌گردد. در این میان نیروی انسانی داوطلبان امدادگر، یکی از ایفاکنندگان نقش‌های اصلی و بنیادین جمعیت هلال احمر به شمار می‌روند. بنابراین لازم است تدابیری اندیشید تا عوامل مؤثر بر انگیزه داوطلبان جمعیت هلال احمر به نحو مطلوبی شناسایی و تقویت گردد. شناسایی این عوامل می‌تواند موجبات مشارکت بیشتر اقشار جامعه را فراهم سازد. در این میان بهره‌مندی بیشتر از خدمات داوطلبانه امدادگران نیازمند سازماندهی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی می‌باشد. (کشاوری‌ترک، ۱۳۹۱: ۲). توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه بر خورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد. از این رو نگرش برنامه ریزان و خط‌مشی تدوین‌کنندگان در آستانه ورود به قرن بیست و یکم باید معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه و به ویژه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. مشارکت فرآیند تصمیم‌گیری و حل مشکل است و درباره‌ی افراد و گروه‌هایی به کار می‌رود که منافع، علایق، تخصص و دیدگاه‌های مختلف دارند و برای نفع‌رساندن به کسانی کار می‌کنند که تصمیم‌ها و اقدامات بعدی‌شان بر آنها تأثیرگذار خواهد بود. مشارکت فرآیندی اجتماعی، عمومی، یک‌پارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه‌ی مردم به ایفای نقش در همه‌ی مراحل توسعه است» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۰).

مبانی نظری

اینکلس^۱ در قالب نظریه‌نوسازی، با اشاره به نه ملاک برای انسان مدرن، معتقد است، متغیرهایی نظیر شهرنشینی، تعلیم و تربیت، ارتباط رسانه‌ای صنعتی شدن، سیاسی شدن و زمینه‌های عقیدتی، ارزشی، فکری، احساسی و رفتاری، بر انسان مدرن دخیل‌اند و او را بر خلاف اسلاف سنتی، به مشارکت بیشتر وامی‌دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ۱۲)

دال؛ «در کتاب تجزیه و تحلیل جدید سیاست» مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده که به مدل دال در مشارکت سیاسی معروف است. وی عوامل مؤثر و زیربنایی در شکل گیری مشارکت را این گونه برمی شمرد. فرد برای پاداش های حاصله از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد، مکانی سهم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانی سهم ها مؤثرتر بداند، نسبت به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد، در ورود به فرآیند مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند. بنا بر نظر دال، وقتی فرد از فعالیت، انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد، تمایل به غلبه بر مشکلات و موانع در او زیاد می شود و حتی هزینه های آن را تحمل می کند. (دال، ۱۳۶۴، ۳۵)

هانتینگتون^۱ نیز مطالعات متعددی در زمینه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داده است. وی، نوسازی را فراگردی چندبعدی می داند که در همه زمینه های اندیشه و فعالیت جریان دارد. هانتینگتون معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل گیری شخصیت و انسان نوگرا می باشد. از نظر وی انسان سنتی همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد. ولی انسان نوین با نگرش ها و طرز تلقی های مختلفی رو به روست. او امکان هرگونه تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می دهد. به نظر وی، پیامدهای نوسازی منجر به دگرگونی ارزش ها در بین توده و افزایش تقاضای مشارکت سیاسی آنان می شود. به نظر هانتینگتون، در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص، فی نفسه هدف محسوب نمی شوند و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست های آنها یا محصول جانبی توسعه به شمار می آیند؛ به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم اصلاحات ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و... مشارکت های بخش های از جامعه را تسهیل و تشویق می کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۴)

گانوتری^۲ جهت ایجاد بسترسازی های مناسب برای مشارکت مردم، حداقل چهار عمده را لازم می داند. این شروط عبارتند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم وجود این شروط به عقیده گانوتری، به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در، جامعه منجر می شود (پناهی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۵)

آلموند و پاول^۳ ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان معتقدند که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت های حرفه ای بالاتر،

-
1. Dahl
 2. Huntington
 3. Gotri
 4. Almond & Powel

احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که اینگونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشانند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

از دیدگاه روانشناسان اجتماعی مشارکت افراد در جامعه، برآیند ارتباط متقابل عوامل اجتماعی و روانشناختی می‌باشد. در این راستا به نظر سیمن ۷ ساختار بوروکراسی «جامعه مدرن، شرایطی را ایجاد کرده است که در آن از یک سو، انسان‌ها نمی‌توانند علاقه و نتایج اعمال و رفتارهای خود را کنترل کنند و از سوی دیگر، کنترل جمعی و سیستم پاداش اجتماعی نیز به گونه‌ای است که فرد بین رفتار خود و پاداش حاصل از جامعه نمی‌تواند ارتباطی برقرار کند. در چنین شرایطی، احساس انفصال و بیگانگی بر فرد مستولی می‌شود و او را به کنشی منفصل و ناسازگار در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵، ۹۷).

راجرز، از فرهنگ دهقانی سخن به میان می‌آورد که عبارت است از عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به خاطر منافع آتی، عدم توجه به عنصر زمان، خانواده گرایی، وابستگی به قدرت دولت، محلی گرایی و فقدان همدلی (روکس برو، ۱۳۷۰، ۱۵۵).

لوین^۱ با رویکرد روانشناختی به توضیح انفعال، بیگانگی و نیز تعیین حدود آسیب‌شناختی مشارکت، در یکی از انتخابات شهرداری بوستون آمریکا پرداخته است. وی معتقد است که گروه‌های اجتماعی مختلف از نظر احساس، هر یک از جنبه‌های چهارگانه بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و از خودبیزاری در شرایط متفاوتی به سر می‌برند. لوین بیگانگی سیاسی و اجتماعی را حالتی می‌داند که بر اساس آن، فرد خود را به عنوان بخشی از روند سیاسی و اجتماعی جامعه به شمار نمی‌آورد. (لوین به نقل از دهقان، ۱۳۸۴: ۵۷).

سیلز^۲ از منظر روانشناختی- اجتماعی در پی بیان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت است. به نظر وی، افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم، تربیت، مذهب و...)، محاط شده‌اند. سیلز معتقد است که سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با هم مرتبط و به یکدیگر آمیخته شده‌اند و هر تغییری در هریک از آنها، مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد، لذا اگر تحلیلی صرفاً مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ۱۲).

1. Rogers
2. Levin
3. Slize

کولین^۱، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند، وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی مشارکت، قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت، باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون ساخت و این امر بدون کار فرهنگی میسر نمی‌شود (وطنی، ۱۳۸۶، ۳۲)

به نظر پاتنام^۲ (۲۰۰۰) ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه روابط اجتماعی ارزشمند و سودمند است. سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی مانند شبکه روابط، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و همیاری را برای منافع اجتماعی در سازمان‌ها تسهیل می‌کند. از نظر این صاحب‌نظر، سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل مشارکت‌های اجتماعی، کارایی سازمان‌ها را بهبود می‌بخشد و هزینه همکاری‌ها و مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهد، همکاری ارادی و داوطلبانه به وسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود و اعتماد از عناصر اصلی تقویت همکاری و مشارکت می‌باشد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریه‌های اندیشمندان مکتب نوسازی و روانشناسان اجتماعی بنا شده است. صاحب‌نظران مکتب نوسازی بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید می‌ورزند. بنابراین تقسین بندی، جوامع مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن اقتصاد پیشرفته، انواع تکنولوژی‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و... می‌باشد. لذا بر اساس این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل گرفته است که یکی از مهمترین آنها مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد. از سوی دیگر در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و مجموعه مسائل و مشکلات ناشی از عدم توسعه در زمینه‌های یاد شده، موجب کم رنگ بودن مشارکت در معنای واقعی در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد در اینگونه جوامع می‌باشد. تحقیقات انجام شده در قالب این مکتب گویای آن است که در بین جوامع، جوامع برخوردار از عناصر توسعه یافتگی و به تبع آن از میان افراد هر جامعه، افراد برخوردار از سطوح بالای اقتصادی و اجتماعی دارای زمینه‌ها و انگیزه‌های بالاتری برای مشارکت در ابعاد اجتماعی

1. Colin
2. Putnam

سیاسی هستند. از آن جمله لرنر در نظریه نوسازی خود، با تکیه بر چهار متغیر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت، این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هر چه از شخصیت سنتی به طرف شخصیت متجدد و مدرن حرکت کنیم، همبستگی این چهار متغیر رو به افزایش می‌گذارد. روند رو به تزاید شهرنشینی، افزایش سواد را به دنبال داشته که به تبع آن باعث افزایش میزان تماس با رسانه‌ها شده و در نهایت تقویت مشارکت را در پی دارد. بنابراین به عقیده لرنر، جامعه جدید، جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی می‌باشد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۵۰). توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه است. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. از این رو پس از آن استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان نیاز اصلی بشر تأکید شده است. بر این اساس، انسان‌ها باید به عنوان آفرینش‌گران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه باشد. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه‌ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه مشارکت داشته باشند. آنها همچنین می‌توانند با رفتارها و نگرش‌های خویش درک کنند. توسعه اجتماعی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی، شرکت‌کنندگان اصلی در فرایند توسعه می‌باشند. (پیران، ۲۰۰۳: ۱۳۷)

دنيس هلی ۱۹۹۷ مشارکت اجتماعی افراد را با چند دسته از عوامل تبیین می‌کند:

الف) عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی، مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی در جامعه، که باعث می‌شود فرد هر فعالیت اجتماعی، یا به طور عادی هر راهبرد شخصی را که باعث پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش و امید به آینده می‌شود مفید تلقی کند.

ب) سطح تحصیلات

ج) گروه سنی

د) جنسیت و سویه‌گیری جنسی

و) زمینه خانوادگی، شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل و زمینه اجتماعی شدن است (هلی، ۱۹۹۷: ۵)

آلموند و پاول، ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی آنان، معتقدند شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای پیشرفته‌تر، بیشتر ممکن است که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که اینگونه افراد در زندگی

خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت کشاند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

به نظر پاتنام^۱ (۲۰۰۰) ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه روابط اجتماعی ارزشمند و سودمند است. سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی مانند شبکه روابط، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و همیاری را برای منافع اجتماعی در سازمان‌ها تسهیل می‌کند. از نظر این صاحب نظر، سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل مشارکت‌های اجتماعی، کارایی سازمان‌ها را بهبود می‌بخشد و هزینه همکاری‌ها و مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهد، همکاری ارادی و داوطلبانه به وسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود و اعتماد از عناصر اصلی تقویت همکاری و مشارکت می‌باشد.

یکی از توزیع‌کننده‌ها و جهت‌دهنده‌های اصلی علایق، نظام ارزشی و تفاوت‌های ایدئولوژیک طبقات مختلف مردم، رسانه‌های جمعی سمعی و بصری است. در مسیر بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل به وجودآورنده تحولات بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بالاجهت فرهنگی، کانونی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسئله، به شکل اعم، نقش ارتباطات و به شکل اخص، نقش تکنولوژی رسانه‌های همگانی است (ساروخانی و مهدیزاده، ۱۳۸۱)

گروه‌های مختلف اجتماعی و از جمله نسل‌های کودکان، نوجوانان و جوانان هرروزه از روزنامه‌ها، نشریات ادواری، مجله‌ها و به ویژه تلویزیون و رسانه‌های جدید ماهواره‌ای و الکترونیکی و دیجیتالی به گستردگی استفاده می‌کنند و نگرش و عقاید آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. رسانه‌ها، با کمک نظم دادن به تجربه ما از زندگی اجتماعی، شیوه‌هایی را قالب‌ریزی می‌کنند که افراد به وسیله آنها زندگی اجتماعی را تفسیر تا جایی که شری ارنشتاین^۲ آدر کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷۹) نظریه نردبان مشارکت، به نوعی از رسانه‌های جمعی به مثابه اولین پله و محرک مشارکت یاد می‌کند.

فرضیه‌های تحقیق

— به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.

— به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.

1. Putnam
2. Arnstein

- به نظر می‌رسد بین نقش رسانه‌ها و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس نوع دوستی و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس تعلق و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تحصیلات فرد و مشارکت اجتماعی در بین نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه امدادگران هلال احمر که در زلزله کوهبنان در سال ۹۶ حضور داشتند. و که طبق آمار گرفته شده که از بین آنها تعداد ۳۴۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است.

در خصوص مطالعه‌ی پیمایشی تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده می‌شود. اعتبار تحقیق نیز به استفاده از اعتبار سازه برآورد شده است. اعتبار سازه‌ای با رابطه‌ی بین ابزار اندازه‌گیری سر و کار دارد و یک چارچوب کلی تئوریک برای تعیین این نکته است که تا حد وسیله‌ی اندازه‌گیری، مفاهیم و پیش‌فرض‌های تئوری به کار گرفته را منعکس می‌کنند. اعتبار سازه به این ترتیب استفاده شده است که در مدل اندازه‌گیری ضرایب متغیرهای مشاهده شده بر روی متغیر پنهان، به عنوان اعتبار آن شاخص در نظر گرفته شده است. یعنی هرچه ضرایب حاصله بالا باشد، اعتبار سازه افزایش می‌یابد. برای سنجش روایی تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول زیر ضرایب آلفای کرونباخ را برای هر کدام از متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد:

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ برای هر کدام از متغیرهای تحقیق

نام متغیر	ضریب پایایی بدست آمده	تعداد گویه‌ها
مشارکت	۰/۷۴۱	۸
روحیه مشارکتی	۰/۷۱۶	۱۱
احساس تعلق	۰/۷۰۱	۶
تاثیر رسانه	۰/۷۷۹	۶
اعتماد اجتماعی	۰/۷۵۱	۲۶
پایایی کل	۰/۷۹۸	۶۱

در این تحقیق متغیر وابسته مشارکت اجتماعی و متغیرهای احساس نوع دوستی، احساس تعلق، اعتماد اجتماعی و نقش رسانه به عنوان متغیر مستقل می باشد.

احساس تعلق اجتماعی: نقطه‌ی عطف فرآیندی است که طی آن فرد نسبت به مکان، محیط، شی و یا امری احساس تعهد و مسولیت پیدا می کند، به نوعی که موجب احساس مثبت به محیط یا امر موردنظر می شود. داشتن احساس همدردی، تعهد، وظیفه و مسولیت فرد، در قبال جامعه است. به صورتی که فرد، منافع جمعی را بر منافع فردی خود ترجیح می دهد و نسبت به جامعه، احساس دلبستگی و علاقه دارد (نوروزی، ۲۵۸-۲۵۷).

اعتماد اجتماعی نهادی: دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان ها و نهادهای اجتماعی دارند. اعتماد اجتماعی نهادی در اینجا بازگوی خوش بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه های اجتماعی است. برای سنجش این نوع از اعتماد میزان اعتماد عملکرد نهادها و گروه های اجتماعی سنجیده شده است.

رسانه های جمعی: وسیله ای که پیام را منتقل می کند. رسانه های جمعی وسایلی هستند که پیام را از سازنده پیام به مخاطب منتقل می کند و خود رسانه ها را پیام می دانند. (نوروزی، بختیاری: ۲۵۹). میزان استفاده از چهار رسانه تلویزیون، روزنامه، ماهواره و اینترنت در این تحقیق مدنظر قرار گرفت.

مشارکت اجتماعی: مشارکت عبارت است از آن دسته فعالیت های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله و شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت در دو سطح مطرح شده است:

- ۱- بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت است.
- ۲- بعد عینی و رفتاری که به صورت عضویت در گروه ها و انجام فعالیت های مشارکت جویانه بروز می کند.

برای اندازه گیری مشارکت در سطح ذهنی از شاخص هایی که به اهمیت مشارکت، انجام کار به صورت گروهی، تمایل به مشارکت در حل مشکلات محلی و شهری، تمایل به مشارکت های انتخاباتی در صورت وجود امکانات و مانند آن استفاده شده است؛ و در سطح عملی، مشارکت اجتماعی با شاخص هایی از قبیل مشارکت در فعالیت های مدنی (شرکت در انجمن های دانشگاهی. . .)، فعالیت های فرهنگی و تفریحی (شرکت در فعالیت های هنری، علمی، ورزشی و. . .)، فعالیت های مذهبی (شرکت در هیئت های مذهبی، روضه ها و. . .) و نمره کل مشارکت اجتماعی مجموع بعد عملی و ذهنی مشارکت خواهد بود. (نوروزی، بختیاری، ۲۵۷-۲۵۶).

یافته‌های تحقیق

از میان ۳۴۲ نفر پاسخگو، ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان زن و ۴۸/۴ درصد مرد هستند. میانگین سن پاسخگویان حدود ۳۱ سال می‌باشد کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۲ سال می‌باشد. ۳۱ درصد از پاسخگویان مجرد ۵۹/۶ درصد متأهل ۴/۴ درصد متارکه ۲/۳ درصد همسرشان فوت شده ۲/۶ درصد سایر موارد هستند. میانگین تعداد اعضای خانواده حدود ۴ نفر می‌باشد کمترین تعداد اعضای خانواده ۲ نفر و بیشترین تعداد اعضای خانواده ۹ نفر می‌باشد. ۹/۹ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم ۳۳/۳ درصد دیپلم ۲۶/۰ درصد کاردانی ۲۲/۸ درصد کارشناسی ۶/۷ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۲ درصد دکتری هستند. ۲۱/۳ درصد از پاسخگویان ۱ تا ۳ سال سابقه‌ی کار دارند ۲۷/۰ درصد ۴-۶ سال ۳۳/۳ درصد ۷-۹ سال ۱۸/۳ درصد ۱۰ سال و بیشتر سابقه‌ی کار دارند. اما در خصوص آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق نتایج مندرج در جدول زیر حاصل شد.

جدول ۲: آزمون فرضیات اصلی تحقیق

فرضیه	نوع آزمون	ضریب آزمون	سطح معنی داری (sig)	نتیجه آزمون
اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۱۱۱	۰/۰۰۶	تایید
سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۶۱۲	۰/۰۰۰	تایید
نقش رسانه‌ها و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۱۸۸	۰/۰۰۷	تایید
بین احساس تعلق و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۸۱۵	۰/۰۰۰	تایید
احساس نوع دوستی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰	تایید

برآورد مدل رگرسیونی تحقیق

برآورد رگرسیونی را می‌توان روشی قلمداد نمود که براساس تغییرات متغیرهای مستقل می‌توان تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کرد. رگرسیون به محقق می‌گوید که براساس هر واحد تغییر در متغیر مستقل، چقدر متغیر وابسته تغییر می‌کند. گروهی از پژوهشگران نیز عقیده دارند که رگرسیون قادر است تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. برای استفاده از روش رگرسیونی ابتدا باید متغیرهای فوق که قرار است وارد مدل رگرسیونی شوند با یکدیگر همبستگی داشته باشند. یعنی باید تنها متغیرهایی وارد مدل شوند که پیش از آن در مرحله آزمون فرضیات تحقیق رابطه همبستگی بین آنها تایید شده باشد. از طرف دیگر باید این متغیرها از نوع فاصله‌ای باشند و در این سطح اندازه‌گیری شده باشند. البته برای متغیرهای از نوع اسمی و رتبه‌ای نیز می‌توان از رگرسیون لجستیک استفاده کرد که فراتر از تحقیق پیش رو است.

۱. سطح معنی داری قابل قبول برای تایید فرضیه زیر پنج صدم می‌باشد.

جدول زیر نشان می‌دهد که ۴۰/۶ درصد از تغییرات متغیر واسطه به واسطه متغیرهای مستقلی که وارد مدل شده است مورد تبیین قرار گرفته است و از طرف دیگر معنادار بودن ضریب آنووا نشان می‌دهد که داده‌های تحقیق برای تحلیل رگرسیونی مناسب بوده‌اند.

جدول ۳: برآورد آماری داده‌های رگرسیونی

خطای استاندارد معیار	ضریب استاندارد مربعات R	ضریب مربعات R	R ضریب تعیین	مدل
۷/۳۹۶۸	۰/۷۴۳	۰/۴۰۶	۰/۷۴	۱

جدول ۴: برآورد آماری ضریب آنووا برای داده‌های تحقیق

سطح معناداری	F ضریب	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	مدل
۰/۰۰۰	۱۱/۸۰۸	۶۴۶/۰۷۱	۹	۵۳/۶۴۳	رگرسیون
		۵۶/۷۱۴	۳۴۲	۳۲۶/۸۷۷	باقیمانده‌ها
			۳۴۲	۵۷۷/۵۲۰	کل

براساس ضرایب بتا مندرج در جدول بیشترین تاثیر را اعتماد اجتماعی را بر مشارکت اجتماعی، با ضریب تأثیری برابر با (۰/۲۴۷) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، احساس تعلق با ضریب تأثیر (۰/۲۳۰) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، احساس نوع دوستی با ضریب تأثیر (۰/۱۹۷) در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۴)، تأثیر رسانه (۰/۱۱۴) در سطح معنی‌داری (۰/۰۱۸) بر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است.

از نتایج بدست آمده می‌توان گفت که: پذیرش مشارکت مردم و اعمال دقیق و صحیح آن، مشروعیت و مقبولیت سازمان‌های خدماتی، دستگاه‌های اجرایی و حکومت را در نظر مردم تقویت و تحکیم می‌بخشد.

علاوه بر این مشارکت مردم در امور اجتماعی ضمن ایجاد نوعی احساس تعهد و مسئولیت نسبت به امور پیرامونی و افزایش وفاق و همدلی بین مردم، موجب می‌شود که مردم بر نحوه فعالیت و عملکرد دولت و نهادهای رسمی نظارت داشته باشند و از این طریق مانع از کم کاری یا انحراف آنها از اهداف و وظایف خویش گردند.

کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می‌کند و نگرش او را نسبت به توانایی او در تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌ها مساعد می‌سازد. این نگرش‌ها، زمینه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و

یا نگرش بی قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت مؤثر می‌افتد. در این میان، متغیر سواد بیش از سایر متغیرهای منزلتی بر مشارکت اثر دارد. فرآیند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می‌گذارد. عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌ها احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد. (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰: ۳۴)

مشارکت‌های غیررسمی با سابقه‌ای دیرینه و با وجود تحولات و دگرگونی‌های که طی صد سال اخیر پدید آمده، هنوز هم در جامعه ایران مشهود می‌باشد و همواره در طول تاریخ بر مشارکت‌های رسمی و نهادمند در این سرزمین برتری داشته است. برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌ها و ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در عروسی‌ها، جشن‌ها و سوگ‌ها و مشارکت‌های مردمی در قالب بنه و واره را می‌توان به عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیررسمی در جامعه ایران برشمرد. نگاهی به تجربه‌های مشارکتی در میان عشایر و روستاییان و حتی شهرهای ایران در گذشته، نشان می‌دهد که مشارکت افراد بیشتر در امور اقتصادی و به دلایلی چون جبر جغرافیای و شرایط زندگی بوده است. در عصر جدید، نخستین الگوهای مشارکت که با الهام از تحولات کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه در ایران پیاده گردید، تأسیس مجلس شورای ملی بود. در ادامه این روند، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همچنین ایجاد انجمن‌های بلدی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و برگزاری انتخابات، از مصادیق مشارکت‌های رسمی در جامعه ایران می‌باشد. در زمان حاضر نیز با توجه به اینکه ایران در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. (وثوقی، ۱۳۸۳، ۱۱۱).

فهرست منابع و مآخذ

- اویسی، نادر، فرساد، حامد، ساریخانی، ناهید، نجفی، مهدی، زارع طوسی، زهرا، سادات موسوس، اشرف. (۱۳۹۳) "نظرسنجی درباره عملیات امدادی جمعیت هلال احمر در زلزله سال ۹۱ آذربایجان شرقی از دیدگاه مدیران جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی درباره راهکارهای عملیات امدادی"، فصلنامه علمی - پژوهشی امداد و نجات، سال ششم، شماره ۳.
- کشاورز ترک، عین‌الله، کشاورز ترک، محسن (۱۳۹۱). "بررسی عوامل و روندهای موثر در انگیزه‌ی خدمات داوطلبانه امدادگران با استفاده از روش تحلیل علی - لایه‌ای (CLA)"، فصلنامه علمی امداد و نجات، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱-۱۴.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران نشر نی.
- افشانی، سید علیرضا، جنتی فر، اکرم (۱۳۹۵). "مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد"، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و هفتم، شماره پیاپی (۶۳) شماره سوم، ص ۷۳-۹۶.
- غفاری، غلامرضا؛ جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰) مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی)، تهران: جامعه و فرهنگ.
- آلموند، گابریل و جی پاول (۱۳۸۰). "مشارکت و حضور شهروندان"، ترجمه علیرضا طیب، مجله، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱۶۳-۱۶۴، ص ۴-۱۱.
- ساروخانی، باقر و شراره مهدیزاده (۱۳۸۱). "تلویزیون و نوگرایی"، پژوهشنامه علوم انسانی، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۲۶۵-۱۳۹.
- آبام، زویا، ارسطوچور، شعله (۱۳۹۳). "نقش فهرست‌های کتابخانه‌ای در جلب مشارکت اجتماعی کاربران: راهکارهای موجود و میزان پیروی فهرست‌های پیوسته کتابخانه‌های دانشگاهی از آنها"، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، فصلنامه علمی پژوهشی، دوره ۳۰، شماره ۲، ص ۴۹۱-۵۲۴.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲) مشارکت در شرایط جامعه آنومیک (رابطه‌ی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی)، تهران: دانشگاه تهران.

___ Breton, R. (1997). Social Participation and Social Capital. Introductory Lecture.

___ Abedi S. A. The place of foster in development _with emphasis on participation. Journal of Rural and Development, 2006: 137-169. [In Persian].

___ at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal.

- ___ Burkely, Stan(1996) people first a guide to self-reliant participatory Rural.
- ___ Canada. change? New York; International Institute for Management Development.
- ___ Denison, DR. (2000). Organizational Culture: Can it be a key lever for driving organizational development. London: zedbooks.
- ___ Helly, D. (2001). Voluntary and social participation by peple of Immigrant.
- Helly, Denis (1997) “Voluntary and Social Participation by People of Immigrant and civic participation: Contermporary policy and Research Issues.
- ___ Immigrant. ” January. Paper presented at the Second National Kerisberg.
- Lous (1973) Sociology of social conflict. Printice-Hall Publication, New Jercy.
- ___ Mehta, Shirr(1984) Rular development policies and programs. London: Metropolis Conference, 23–25 November, Montreal.
- ___ Quebec, Montreal, November 1997.
- ___ origin. overview of Canadian Research, second National Metropolis conference, participation of the ‘young-old’ in The Netherlands in 1992 and 2002. Ageing.
- ___ Putnam, R (2000), bowling alone: The Revival of American community, New Quebec, Canada. Sage.
- ___ Van Groenou, M. B. , & Deeg, H. D. (2010). Formal and informal social York: Simon and Schuster.

